

نویسنده : چیرس هید گیز (Chris Hedges).

منبع و تاریخ نشر : کلایمت اند کپی‌تالیزم «30» «اپریل» «2012» .

برگردان : پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

موقعی که تمدن‌ها شروع به نابودی نمایند آنها دیوانه میشوند

when civilizations start to die they go insane

با از هم پاشیده گی سرمایه داری به

استقبال از درخواست پناهنده گی

THE IMPLOSION OF CAPITALISM WELCOME TO THE ASYLUM

موقعی که تمدن‌ها آغاز به نابودی نمایند آنها دیوانه میشوند . بگذار که کنده های یخ در شمال ذوب شود ، بگذار که درجه حرارت صعود نماید ، بگذار هوا، خاک ، و آب ملوث و سمی گردد؛ بگذار که جنگل‌ها نابود و خشک گردد؛ بگذار بحر‌ها از زنده جانها خالی گردد؛ بگذار جنگ های تباه کن و بیهوده یکی بعد از دیگری بوقع بپیوندد؛ بگذار که توده های میلیونی انسانها به فقر و تنگدستی گسترده تر بگرایند بیکار و بی وظیفه شوند ولی نخبگان ، مست در خوشگذرانی (فلسفه و گذرانی و تمتع از لذایذ دنیای زودگذر) به تجمع ثروت از راهی بهره برداری ، زمین خواره گی ،قلب و سرقت دست بکار شوند . اما خوشبختانه که واقعیت در فرجام اشکار میشود .

ما در عصری زنده گی میکنیم زمانی است که اخبار از حاملگی

(snooki) و از نوار جنسی هالک هوگن (Hulk Hogan) خبر میدهد

و همچنان از انکار کیم کارداشین (Kim Kardashian) زنی که در هنگام

پخت و پز تخم مرغ برهنه بوده و عکس او از طریق اینترنت به نشر

رسیده است ، سیاستمداران از جمله رییس جمهور بغرض تماشای فلم

کمپیدی در اواخر شب ظاهر میشود و برای انجام این نمایش و کار

کمیدی و شوخی ایشان پیرامون موضوعات چندی از جمله بخاطر ایجاد یک مستعمره در ماه به مبارزه انتخاباتی برنامه ریزی مینمایند در همین وقت که صفحه ویا فیه در حال گردش است " لویی فردیناند سلین (Louis Ferdinand Celine) از قلعه به قلعه (از دژی به دژ) نوشت : زمانیکه تاریخ تمام مهرها را باهم یکجا به ارمغان می آورد ، سالون رقص باز میشود ! کلاه و سر در گرداب ! زیر پوشی در دریا !

تلاش توسط نخبگان ورشکسته در روزهای پایانی انقراض امپراتوری به انباشت و تجمع هرچه بیشتر سرمایه میباشد آنطوریکه کارل مارکس در نسخه جامعه مدرن از خرافات پرستی جامعه بدوی مشاهده می نماید چنان است که بهره برداری کم وکاست آن جامعه منجر به سرکوب هرچه گسترده تر انسانها گردید که این خود رنج فراوان را نصیب انسانها ساخته و با فروپاشی زیر ساختها مرگ د ستجمعی آنها را بار می آورد .

این بیش از خود فریبی چیزی دیگری نمیتواند باشد ، آنها یکه در والستریت ویا در میان نخبگان سیاسی اند ، انها یکه سرگرم کار و بار اند وبما اطلاع میدهند که ایشان فاقد ظرفیت به سوال آذ و حرص بوده که این خود به ما اطمینان نابودی آنها را میدهد بگونه نمونه نابودی هوش ، موفقیت و پیشرفت را .

در ایالات متحده امریکا طبق گزارش سازمان صحتی جهان از هر چهار نفر امریکایی یک نفر آن مبتلا به بیماری افسرده گی مزمن ؛ انحطاط و تشوشات مزاج میباشد ، به نظرم چنین می آید که این خود یک واکنش طبیعی در یک راهپیمایی بطرف خود کشی د سته جمعی و خوش آمدید به درخواست پناهنده گی چیزی دیگری نه میباشد .

زمانیکه تولیدات مواد اساسی ضروری ، موادی که ادامه حیات را فراهم میسازد کاهش یابد و یا مواد مذکور با پرداخت مبلغ نقده بدست آید در آنصورت زنده گی خود ارزش داخلی خود را از دست میدهد.

در ارتباط به اطفال و منقرض ساختن جوامع «بدوی»، آنهایکه اعتقاد به عالم روح دارند و تجسم ارواح مردگان و عرفان را به تعریف میگیرند و یا کسانی که ابهام و رمزو راز را تقدیس میکنند و یا کسانی که به محوریت تخیل انسان احترام میگذارند تنها با حذف وزنه عقیدتی خود - شرایط بلع ایدیلوژی سرمایه داری را ممکن میسازند.

آنهایکه عقاید و باورهای ما قبل مدرنیته را همچو امریکایی های بومی حفظ با خود دارند و خویشتن را در اطراف یک ساختار خود ایجاد کرده زنده گی اجتماعی و از خود گذشتگی و نه بر بنیاد احتکار و استثمار دستمزدمتعلق میدانند هرگز خود را در وابستگی به اخلاق از استثمار و هوس و جنون برای تقلید از رسم با طرز تفکر سرمایه داری برای گسترش امپراتوری نمیدانند. بیرو حیه گی در برابر همچو رمز به جز حفره کنی چیزی دیگری نمیتواند باشد.

قسمیکه اگر ما بمنظور فروپاشی اکو سیستم سیاره مان بخواهیم مسابقه دهیم در آن صورت ما باید دیدگاههای قدیمی تر از زنده گی را برای بقاء خویش نگهداریم.

جنگ در برابر امریکایی های بومی در واقعیت امر مانند به راه اندازی جنگ توسط استعمارگران در سراسر جهان میباشد و باراه اندازی این جنگها نه تنها که مردم ریشه کن میگردند بلکه مسابقه دادن در برابر اخلاق و اینتیک میتواند شمرده شود لذا فورم و شکل جامعه ای قدیمی بشر در تضاد و در دیدگاه های خصمانه نسبت به سرمایه داری و برتری حالت تکنالوژیکی و خواست امپراتوری میباشد.

مارکس مبارزه ضد سیستم های اعتقاداتی را از دست نداده بود؛ یاداشتهای قومی و اینتیک کی کارل مارکس همچو یک سریالی از یاداشتها و مشاهداتی است که بر مبنای مطالعه ای آثار مارکس بواسطه مورخان و انسان شناسان (انتروپولوژیستها) بدست آمده است او یعنی مارکس یاداشتهای در مورد سنتها، شیوه ها عملکرد، ساختار اجتماعی،

سیستم های اقتصادی و باورهای فرهنگی متعدد محکوم به نابودی آن از خود بجا گذاشته است .

مارکس از اطلاعات و آگاهی های محرمانه پیرامون شکل گیری جامعه ای بومیان امریکای همچنان در مورد اراضی مشترک قبایل و خانه های مشترک نشین متعلق به آنها و در مورد ازتک ها (یک تمدن نیمه امریکای در مکزیک ... از مترجم) پرده برداشته یادداشت مینماید (تصدی کمون از اراضی، زنده گی نمودن تعداد زیادی از خانواده در خانه های کلان و وسیع مربوط به آنها) و به همین منوال چیزهای دیگری دلایلی بمنظور باور به کمونیزم و تمرین زنده گی که امریکایی های بومی آنرا به منصفه اجرا میگذارند بخصوص مردمان سرخ پوست که در همچو خانه های نشین حیات بسر می بردند همچو نمونه ای از خانه های مسکونی مودل یونین ها در مستعمرات امریکا میباشد که به چشم دید مارکس و انگلس جامعه ای عملی و باور کردنی می پوشاند .



نمونه از خانه های که فامیل های بومی امریکایی در آن بشکل مشترک زنده گی میکردند

مارکس با باور ساده و بی تکلف چنین می اندیشید که دولت در بقدرت ماندن خودکارگران را خلق مینماید، با خیال پرستی و با تخفیف نیروهای مهم اجتماعی و فرهنگی خارج از علم اقتصاد خویشتن را قرار میدهد مارکس در این مورد آگاهی همه جانبه داشت و آن اینچنین که چیزهای ضروری منوط به کرامت انسانی و استقلال و آزادی پیش از تخریب جوامع ماقبل مدرنیزی مفقود و لادرک شده بود .

شورای قبیله سرخ پوستان که بایندیها یک جاشدند تا آنکه بنام اتنیان باستان مسمی شدند مارکس خاطر نشان میسازد که اینها با درهم آمیختگی و ادغام خویش انجمن دموکراتیکی را تشکیل دادند که همه اعضای کاهل آن اعم از زن و مرد در ارتباط همه سوالات قبلی به ارمان آورده شده باهم یک صدا وتن واحد گردیدند.

مارکس از تصمیمگیری به اتفاق آرا و در رعایت از قانون اساسی شورای قبیلوی سرخ پوستان مبنی بر اینکه زن ها را اجازه داده اند که در انتخابات و در رابطه به انتخاب شان از طریق سخنرانی اشتراک میورزند طی یک یادداشتی از آن تحسین بعمل آورد و این فیصله ای شورای مذکور را تمجید نمود در حالیکه زنها در قاره اروپا و در مستعمرات اروپا توان و قدرت برابر با مرد ها را ندارند .

احیایی مجدد این دیدگاه ها و مفکوره های کهن و قدیمی اجتماع بر بنیاد همکاری و تشریک مساعی نه بخاطر بهره کشی و استثمار بمنظور بقا و آوردن تغییرات در نمونه های مصارف ، روبه رشد مواد



نرگاو نشسته (sitting Bull)

غذایی و پایان دادن به وابستگی ما به سوخت های فسیلی از اهمیت زیادی برخوردار میباشد در جوامع قبل از مدرنیزی در زمان گاو

نشسته و اسپ دیوانه (نام های سران سرخ پوستان میباشد که در مقابل دولت امریکا می جنگیدند نام اصلی گاو نشسته تاتانکا ابوتاکا میباشد که در سال «1831» زاده شده و در سال «1890»...مرده است. و نام اصلی اسپ دیوانه تا سونکوویتکو رهبر سیاسی سرخپوستان بوده که در سال «1849» زاده شده و در سال «1877» مرده است و در عکس بالا با دیگر سرخ پوستان در حال جنگ با سفید پوستان مهاجر امریکایی ملاحظه میشود.....**تفصیل از مترجم**) امریکایی های بومی که در مقابل دولت امریکا می جنگیدند ولی آنها در جنگ با جانب مقابل همیشه دست به اعمال نوع روستایی مثل ظلم و ستم شامل قطع عضو ، شکنجه و اعدام اسیران و غیره نمی زدند و هرگز در تابتیعت از تکنالوژی مقدسات قبلی خود را زیر پا نمی کردند. و خدایانی را که آنها پرستش میکردند در خارج نبود و یا که از طبیعت مجزا نبود .

در قرن هفدهم فلاسفه اروپا در پرتو علم و دانش به ترویج روشنگری پرداختند و در عین زمان با استفاده از جهان بینی روشنگری جدایی انسان را از جهان طبیعت ابراز داشتند و آن بدین معنی که انسان مربوط به طبیعت میباشد ولی اکنون دیگر تابع طبیعت نیست و با کار و پیکار خود میتواند طبیعت را مورد استفاده ای خود قرار دهد که این موضوع در کتاب مقدس یعنی انجیل نیز ذکر گردیده است ، جامعه طبعی همراه باکسانیکه معتقد به فرهنگ پیش مدرنیزی بوده در هم آهنگی به آن فرهنگ حیات بسر میبردند، در حالیکه در جامعه صنعتی و در عصر روشنگری ارزش جامعه ای صنعتی تنها در بهره کشی و استثمار رنهفته میباشد ؛ دکارت استدلال مینمود بگونه مثال : کاملترین بهره برداری از یک چیزی و یا از یک موضوع بهر شکلی که مورد استفاده قرار گیرد وظیفه انسانی میباشد .

در زبان اهل پیرو مذهب پیورترین (عضو از گروه پروتستان های مذهبی افراطی انگلیس بود که نظریات او طی قرن شانزدهم و هفدهم

تبلیغ میشد تفصیلاز مترجم .) محیط طبیعی و یا بیابان محل شیطان تلقی میگردد یابه عباره دیگر بیابان را شیطان خانه می نامیدند ولی بعداً به عیسویت رام گردید یعنی که بیابان از نظر مذهب عیسویت رام وبدسترس انسان قرار گرفته ولانه گزینی تخنیکی منجر به آن گردید آنطوریکه ریچارد سلوط کین (R. Slotkin) درین مورد می نویسد : با زسازی از طریق خشونت بیش از هر چیز مردان غربی را به سفته بازان وبانک داران غیر مجاز درآورده است .

دابی کروکیت (Davy Crockett) بعداً جورج ارمسترانگ (George Armstrong) و سلوط کین (Slotkin) اکثریت هندیها ومکزیکیان هارا به نسبت که اکثریت خرسهای وحشی را از بین بردند ویازمینها را از لوٹ آنها پاک کردند ویا به قطع درختان پرداختند وزمینها را آماده استفاده مردم ساختند و در این راه جان های خود را



Library of Congress

جورج ارمسترانگ

از دست دادند بنامهای قهرمانان ملی یاد نمودند .
جنون توسعه بی پایان سرمایه داری ، مصارف بی بند وبار ، بهره

براداری و استثمار بی معنی و بی مفهوم ورشد صنعتی که اکنون مواجه به فروپاشی می‌باشد ؛ کلاهبرداران شرکتها در رابطه انشعاب از خشم شان که خود را بعنوان کاستر (جورج ارمسترانگ کاستر افسر نظامی که در سال 1839 زاده شده و در سال 1876 مرده کسی بوده که در جنگ بادا کاتا هندی در جوار دریایی بیگهارن کشته میشود . تفصیل از مترجم) دلالان طلا و نجیب زاده راه آهن میدانند کوراندکه سرزمین های هندی ها را تصاحب نمودند ، باشندگان آنجا را قتل عام کردند ، گاو میش های شان را سر به نیست کردند و جنگل های شان را قطع و نابود ساختند . قابل یاد اوری است که جنگهای مورثی در سراسر شرق میانه باعث آن شد که دریا ها ، سیستم های آب رسانی ، هوا و خاک همه ملوث و آلوده شد و قمار زدن به ارتباط تمام کالاهای مورد ضرورت انسان بجز از اینکه باعث بد بختی و گسترش فقر و تنگدستی نصف از نفوس مردم این سیاره گردید چیزی دیگری را به ارمغان نیاورد .

باید افزود که کتاب الهام و یا وحی به تعریف این انگیزه می پردازد و آن اینکه صاحبان قدرت و مقام تا سرحد وحشت و وحشیگری بخاطر سود و نفع دست و پا میزنند و این حرص و آذ در سرشت آنها درج و ممزوج گردیده است .

تلفیق انکشاف تکنالوژیکی با پیشرفت بشریت خود منجر به از خود پرستی و غرور میگردد دلیل ممکنه آنرا محاسبات علوم و پیشرفتهای تکنالوژیکی از تمدن عرصه صنعتی میدانند اما این دلیل ما را به نیروی های زنده گی (انگیزش و یا تکانه و زنده گی) مان در ارتباط قرار نمیدهد یعنی بین ما و نیرو های زنده گی ما نمیتواند رابطه برقرار نماید . جامعه ایکه ظرفیت تقدس را از دست میدهد چونکه فاقد قدرت تخیل انسان می‌باشد پس نمیتواند تمرین همدلی نماید لذا در نهایت امر خود تضمین نابودی خود را در میان می کشد .

امریکایی های بومی این حقیقت را نیز میدانستند که در اینجا

نیرو قدرتی وجود دارد که کنترل آن غیر محتمل است و آنها به آن نیرو و قدرت افتخار مینمودند امریکایی های بومی همچو مردم یونان باستان اینرا نیز میدانستند که غرور و تکبر مرگبارترین و لعنت شده ترین تظاهر در نژاد بشر میباشد پس در اینجا است که ماباید از آن درسهای لازم را با مصرف هزینه رنج و زحمت بغرض عبرت اندوزی بیاموزیم تا باهمچو خصایل اغشته نشویم .

ویلیام شکسپیر در نمایشنامهء کمیدی اش زیر نام «طوفان» چنین مینگارد: - «پروس پیرو» صاحب قدرت و ارباب در کنار ساحل جزیره ای یعنی آنجا یکه صاحب صلاحیت و قدرت میشود، سپس در همانجا اسیر «هیولا» بدوی کالیبان (بچه ای خوگ بی مادر و جادوگر شریر بنام اریل) میگردد؛ و او از منابع قدرت جادوی اش مندرج در روح اریل



پروس پیرو و میرا ندا

تحت نام آتش و هوا نیروهای او (پرس پیرو) رادر بیابان آن جزیره رها میکند؛ شکسپیر چنین افاده میکند که اومیتوانست آنان را به سمت راه خوب سوق میداد در صورتیکه آنها خود ظرفیت کنترول واحترام به خویشتن را میداشتند ایا اومیتوانست ایشان را با فشار وبا موجودیت محدودیتهای چندی به راه دیگری ویا به اجرای اعمال از قبیل سرقت و غارت و قتل و حرص و آسوق میداد، بعدها جوزف کنراد در تصاویر نقاشی هایش پاسگاه های امپراتوری را با مسمومیت های مشابه آن در معرض نماش قرار داد.

انسان شناس معروف بنام «لیوس هنری مورگن» در سال «1846» بواسطه سینکا یکی از اقوام قبیله ای از فدراسیون سرخ پوستان به حیث «بزرگ قوم» شناخته شد اوبه ارتباط «جامعه باستان» و به کمک همین قبیله سینکا در مورد تکامل اجتماعی جامعه بین هندیهای امریکایی نوشت: که مارل مارکس گفته های او را تایید نموده و در یاداشتهای ایتونولوژیکی خود آنرا درج نموده است. مورگن در رابطه به اهمیت «امیجینیشن یا تصور» از نظر تاریخی واجتماعی اصرار می ورزید که امیجینیشن خود به حیث فاکولته ای میباشد که در ارتقاء بشریت سهم عظیم و غیر قابل جبران را ایفا می نماید.

تصور از نظر همنظران مکتب شکسپیر یکی هم «هرولد گوددارد» چنین افاده میشود: تصور نه زبان طبیعت و نه هم زبان انسان است اما هر دو در یک بار میانجی همدلی بین هر دو است.... پس تخیل یا امیجینیشن یک عنصر فوق العاده مهم در تمام حواس انسان چه که انسان اولی تکلم کرد ویا شعری سرود شامل میباشد.

در رابطه به آنهاییکه توان انتقال چیزی را بما دارند میتوان گفت که همه ای آن نگرانی ها به ذات خود زیبا و درست و موثق است نگرانی های همچو درموارد هنر، تعلیم و تربیه، ادبیات، موزیک، تیاتر، رقص شعر، فلسفه مذهب و ژورنالیزم که بصورت درمشارکت

دولت مرفوع گردد بهتر میتواند باشد و یا اینکه در گسترش این رشته ها و یا هیچ یک از این رشته ها با ارزش بنابه عدم مشارکت دولت حمایه و یا جبران نگردد و اگر رویهمرفته همچو رشته ها درفاکولته ها و یا حتی پوهنتونها دنبال گردد آنرا انتقاد نموده غیر عملی میدانند که در اینصورت چه باید کرد؟

قابل یادآوری است که ما میتوانیم این رشته ها را از طریق عملی و یا هم از طریق بکارگیری تخیل از هرگونه گزند نجات دهیم .

دنیای امروزی کسل کننده از اطلاعات و وقایع خبری؛ مجموعهء از داده های علمی ؛ امار و ارقام بازار سهام و ضبط و ثبت اعمال منزه و معقم تاریخی بما اجازه نمیدهد و یا فرصت آنرا میسر نمی سازد تا از عنصر سخنرانی تخیل چیزی بفهمیم ما هرگز رمز و راز خلقت یا مفهوم وجود را درک نخواهیم کرد در صورتیکه که اگر مانتوانیم این زبان قدیمی و پاکهن را بهبودی قابل ملاحظه نه دهیم شعر نشان میدهد که انسان نقش خود را چسان بازی میکند **گودارد** درین مورد می نویسد : "همچو آینه ای که صورت خود را در آن می بیند "

روح و روان ما در مورد چنین است که فرهنگ امپریالیزم ، حرفه و کسب و کار است و تکنالوژی به دنبال در هم شکنی آن است .

والتر بن امین استدلال نمود که شکل گیری و یا تشکل سرمایه داری نه تنها که اساساً مربوط به « دین و مذهب » است بلکه سرمایه داری در اصل خود یک پدیده « مذهبی» است ، هر چند که دیگر به دنبال جستجوی اتصال انسان با نیروهای مرموز زنده گی نمی باشد ، آنچه که بن امین سرمایه داری را مشاهده نمود چنین گفت : سرمایه داری در جامعه بشری یک تلاش بی وقفه و بیهوده غرض کسب پول و کالا سوار در کشتی میباشد او در مورد هشدار میدهد که سرمایه داری استمرار یک فرهنگ تحت سلطه احساس گناه و تقصیر و یک احساس ناکافی و نفرت از خود است که تقریباً تمام منسوبین و پیروان تحت نظر خویش

را از طریق دستمزدها و سرسپردگی به فرهنگ کالا و امتعه و اجرا اعمال شاقه و برده و غلام بدهی میسازد .

درد ورنج بومیان امریکایی یکباره با بازدید از گسترش غرب بود که بزودی این درد ورنج بالای دیگران یعنی بالای مردم کیوبا ، فلیپین ، نیکاراگوا ، جمهوری دومینیکان ، ویتنام و عراق و افغانستان نیز تحمیل شد .

فصل پایانی این آزمایش غم انگیز را در تاریخ بشر خواهیم دید و آن اینکه به صفت کسانی خواهیم بود که قبل از نیل به خواسته ها و ارزوهای مان قربانی این امپراتوری خواهیم شد .

در اینجا به ارتباط موضوع مورد نظر یک نوع داد خواهی و عدالتی موجود است و آن اینکه ما نباید بعنوان یک ملت ناظر در مقابل کسانی که مجنون سود و سرمایه اند و هر آنچه دل شان بخواهد آنرا در تحت نام وادرس ما انجام دهند خاموش بنشینیم ، ما باید در مورد همچو جنایات این جنایت پیشه گان به افشاگری بپردازیم و اکنون که بازی به پایان خود نزدیک شده است ما باید همه گی در کنار یکدیگر خود قرار بگیریم.

چند جمله در مورد نویسنده این مقاله : چیریس هید گیس

(Chris Hedges) گذارشات بیشتر از «50» کشور را غرض نشر به ارتباط جمعی و رسانهها تنظیم و ترتیب وادیت نموده و او یک کارمند رادیوی ملی مردمی کرسشین ساینس مانیتور، و نماینده بخش خارجی دالاس مارگینگ نیوز، و نیویارک تایمز از مدت «15» به اینسو میباشد این مقاله برای اولین بار در ستون هفتگی مختص بخودش برای ترودگ «Truthdig» به نشر رسید .